

بانوی آفتاب

برگرفته از:

زینب رضی الله عنها از ولادت تا شهادت

ترجمه‌ی استاد کرمی فریدنی

گزینش و نگارش: معصومه فرهادی و مسعوده کرمی

بانوی آفتاب زینب علیها السلام

گزینش و نگارش: معصومه فرهادی ❧ ساماندهی و ویرایش: مسعوده کرمی ❧

ناشر: نسیم انتظار ❧ حروف چینی و صفحه آرایی: احسان کرمی ❧

شمارگان: ۳۰۰۰ نسخه ❧ صفحات: ۲۷۲ صفحه ❧ نوبت چاپ: اول ❧

قطع: رقعی ❧ تاریخ انتشار: تابستان ۱۳۸۵ ❧ بها: ۲۴۰۰ تومان ❧

همه‌ی حقوق برای دفتر فرهنگ و اندیشه محفوظ است

ISBN: 964-8553-14-19

شابک: ۹۶۴-۸۵۵۳-۱۴-۱۹

مراکز پخش: قم - دفتر نشر نسیم انتظار، همراه ۰۹۱۲۲۵۲۴۰۶۵

دفتر فرهنگ و اندیشه، سالاریه، خیابان نسترن کوچه یاس، پلاک ۴۱

تلفن ۲۹۲۳۶۷۲، همراه ۰۹۱۲۲۵۱۹۱۶۳

سخنهای پاشورا

کتابی که در برابر شماست، گزینشی است از کتاب ارزشمند «زینب علیها السلام از ولادت تا شهادت»، که به قلم استاد کرمی فریدنی به فارسی ترجمه شده، و به صورت زیبایی عنوان‌دهی و سامان یافته است، و ما نیز با توجه به فضای دانشگاه و جامعه، و فرصت اندک نسل جوان برای مطالعه، با راهنمایی و نظارت مترجم اندیشمند کتاب، آن را خلاصه نموده و با عنوان «بانوی آفتاب» به دوستان آزادی و معنویت، به ویژه زنان و دختران فرهنگ‌دوست و انتخاب‌گر جامعه تقدیم می‌کنیم.^۱

این کتاب، از دومین بانوی پرشکوه و تاریخ‌ساز خاندان پیامبر،

۱. چرا که او، با فروغ‌افشانی خود از مدینه تا کربلا و از کوفه تا شام و از عاشورا تا اربعین و تا بازگشت پیروزمندانه به مدینه و تا تبعید و شهادت، آفتاب‌گونه در آن شبستان تیره و تاریک استبداد، میکربها را سوزاند و زدود و بر کالبد فسرده‌ی آزادی و عدالت و معنویت، جان تازه دمید، تا سرانجام در قامت هرچم در اهتزاز نهضت آزادبخواهانه‌ی امام حسین جلوه‌ای جاودانه یافت و نماد روشنگری و آزادبخواهی و الگوی پرشکوه انسان کمال‌جو و ستم‌ناپذیر تاریخ شد.

زینب علیها السلام سخن دارد. از طلوع خورشید نورافشان وجود او،
 از کانون فروزان تربیت و رشد و بالندگی او،
 از مربیان تاریخساز و بی نظیر و آزاده پرور او،
 از سیما و سیره ی زیبای فردی، خانوادگی، و اجتماعی او؛
 از مدیریت و مدارا و درایت و سیاست الهام بخش او،
 از منش متمدنی و اخلاق شکوفا و معنویت سرشار او،
 از آموزه های ارزشمندی که از خاندان ارجمندش آورده است؛
 از خطبه های شجاعانه و روشنگریهای شگفت انگیز و سخنان
 حکیمانه و مناظره ها و دفاعیات اندیشمندانه ی او؛ و به ویژه از
 مبارزه ی بی ترس و خستگی ناپذیر فکری و فرهنگی و اجتماعی او با
 فریب و استبداد برای نجات دین و دفتر و تأمین آزادی و حقوق بشر؛
 و سرانجام از پایداری و استواری و خستگی ناپذیری عجیب او در
 پیام رسانی، و سرانجام تبعید و شهادت و آرامگاه نه چندان شناخته ی
 او سخن دارد، و پرتوی از شکوه و صف ناپذیر او را در چشم انداز
 نسل های تشنه ی آزادی و عدالت قرار می دهد.

با همه ی وجود و امید، از خدای پرمهر می خواهیم که ما را از
 رهروان آگاه و بامعنویت بانوی آفتاب، زینب علیها السلام قرار دهد، و به لطف
 بی کرانش، پاداش این گام کوچک را چراغ سعادت و رستگاری این
 سرا و ذخیره و بهانه ی نجات آن سرا سازد.

معصومه فرهادی - مسعوده کرمی

سرآغاز

آگاهی از رویدادهای جامعه‌های دیروز و آشنایی با راز دگرگونی‌های آنها را، تاریخ می‌نامند.

پس تاریخ آینه‌ای است که زیبایی‌ها و زشتی‌ها و روند کاروان بشری در گذر قرن‌ها را در چشم‌انداز تاریخ پژوهان قرار می‌دهد. گنجینه‌ای است گرانبها که دستاورد ارجدار پیشینیان را، در طبق اخلاص نهاده و به منظور آسان‌ساختن زندگی‌ها در اختیار فرزندانشان می‌نهد. آموزگاری است که با درس‌های عبرت‌آموزش از فراز و فرودها، انسان را در خودسازی و رعایت حقوق و آزادی هم‌نوعان و دوری از ستم، و ساختن جامعه و دنیای جدید یاری می‌رساند.

تاریخ دادگاهی است منصف و مستقل که پس از فرونشستن غبار دجالگریها، سرانجام کف‌های دروغ و بهره‌وری ابزار از قانون و مذهب و واژه‌های پرجاذبه را کنار زده و حقایق وارونه شده را آشکار و حکم خود را در مورد چهره‌ها و جریانها صادر می‌کند. پس تاریخ درست، همان جامعه‌ی دیروز است، هم‌چنان که رویدادهای امروز، تاریخ فردا را می‌سازد؛ و این انسان در ابتدایی‌ترین تاپیشرفته‌ترین

جامعه‌ها، دست‌اندرکار آفرینش رخدادهای افتخارآفرین یا شرم‌آوری برای نگارش واژه واژه‌ی تاریخ خویش است.

با این بیان، تاریخ هر جامعه‌ای، بیشتر تاریخ زندگی بزرگان و تاریخ‌سازان آن است، و نشانگر چگونگی اندیشه و منش، روش تربیت و مدیریت و عملکرد آنان است؛ و از این جاست که بسی حکیمانه گفته‌اند که: هر جامعه و تمدنی که مردان و زنان اندیشمند و قانونگرا و پرچمدار حقوق بشر نداشته باشد، یا تاریخ و تاریخ‌ساز ندارد و یا تاریخ آن، در خور نگارش و نگرش و افتخار نیست.

... و خدای را سپاس که ما در تاریخ خود بزرگ‌زنان و مردان تاریخ‌ساز و سرفرازی داریم، که اگر خردگرایانه و به دور از نگاه عوامانه و ابزاری، به سیما و منش درخشان آنان بنگریم و اندیشمندانه و صادقانه از آنان سخن بگوییم و راه زندگی بجویم، نه تنها تاریخ‌مان در خور نگارش و درس‌آموختن است، که بسیار شایسته‌ی افتخار و دارای تجربه‌هایی گرانبها برای ساختن دنیایی خردمندانه و آزادمنشانه و تأمین‌کننده‌ی حقوق انسان است.

اما این کتاب

... اما این کتاب، گزینش و ساماندهی جالب و سنجیده‌ای است از کتاب ارزشمند «زینب علیها السلام از ولادت تا شهادت» که به وسیله‌ی دو نویسنده‌ی خوش‌فکر، خانم فرهادی، کارشناس علوم تربیتی و مسعوده کرمی، لیسانس زبان و خبرنگار، انجام پذیرفته است، که پاداش کارشان باخدای مهربان باد.

کتاب حاضر از بانوی آفتاب یا یکی از همان بزرگ‌زنان تاریخساز و مبارز راه آزادی و عدالت و نمونه‌ی زیبای معنویت و منش مرفعی سخن دارد.

از او که به‌هنگام طلوع وجود ارزشمند و نامگذاریش، فرشته‌ی وحی، نام او را از بارگاه خدا هدیه می‌آورد، و ضمن شادباش، پیام خدا را به پیامبرش می‌رساند که: این نورسیده‌ی تاریخساز را، «زینب» نام نهید...^۱

از همو که بینش ژرف و دانش گسترده‌اش به گونه‌ای جلوه می‌کند که امام حسن (علیه السلام) به او می‌فرماید: خدای برکمال تو بیفزاید؛ حقیقت همین است که تو می‌گویی، به راستی که تو از برگ و بار درخت تناور نبوت هستی و از گنجینه‌ی گرانبهای رسالت نشان داری.^۲

و امام حسین در دنیای وجود شکوفای او، بهارانی از فضیلت و منش مرفعی را می‌نگرد و از او می‌خواهد در نماز و نیایش شبانه‌اش، حسین را از یاد نبرد.^۳ و امام سجّاد، او را دانشمندی درس‌ناخوانده و خداوندگار خردی بزرگ - که نزد آموزگاری نرفته، بلکه به‌مهر پروردگارش به او ارزانی شده است - وصف می‌نماید.^۴

۱. «سَمِّ هَذِهِ الْمَوْلَدَةَ زَيْنَبَ، ثُمَّ اخْبِرْهُ بِمَا بَغَّرِي عَلَيْهَا مِنَ الْمَصَائِبِ، فَتَكُنْ وَ تَكُنِ النَّبِيُّ ثُمَّ قَالَ: مَنْ تَكُنِ مَصَائِبُ هَذِهِ الْبِنْتُ كَأَنَّ كَمَنْ تَكُنْ عَلَى الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ» زینب الکبری / ۱۷.

۲. «فَقَالَ لَهَا الْحَسَنُ: «زَادَ اللَّهُ كَمَالًا، تَعَمَّ... إِنَّهُ كَمَا تَقُولِينَ إِنَّكَ حَقًّا مِنْ شَجَرَةِ النَّبَوَةِ وَ مِنْ مَعْدَنِ الرِّسَالَةِ» حسن محمد قاسم / السَّيِّدَةُ زَيْنَب / ص ۹۸.

۳. «يَا أُخْتَاؤُ! لَا تُنْسِيْنِي فِي صَلَاةِ اللَّيْلِ» رباحین الشریعة / ج ۳ / ص ۶۲.

۴. «يَا عَمَّةُ... أَنْتِ بِحَمْدِ اللَّهِ عَالِمَةٌ غَيْرُ مُعَلَّمَةٍ، وَ قَهْمَةٌ غَيْرُ مُفَهَّمَةٍ...» سفینه / ج ۱ / ص ۵۵۸.

همو که در ژرف‌اندیشی و منش زیبا تا آنجا می‌درخشد که به تدریج از زبان آگاهان روزگار، به «عقیله‌ی بنی‌هاشم» شهره می‌گردد، و مفسر نامداری چون «عبدالله بن عباس»، به هنگام روایت خطبه‌ی معجزه‌آسای فاطمه علیها السلام از او، وی را بزرگ‌بانوی خرد و فرزاندگی عنوان می‌دهد: «حَدَّثَنَا عَقِيلُنَا زَيْنَبُ بِنْتُ عَلِيٍّ عليه السلام...»^۱

و در اخلاص و پاک‌منشی و نماز و نیایش^۲ و شکیب و شجاعت و درایت و مدیریت و احساس مسئولیت در برابر خدا و روند جامعه و نسل خویش، به راستی زینت و زیور پدر و مادر جلوه می‌کند، و نشان می‌دهد که در زندگی، خرد آنان را در سر و مهرشان را در قلب و

۱. ابرالفرج اصفهانی / مقاتل الطالبیین / ص ۶۰ / چاپ نجف.

۲. امام سجّاد فرمود: او در زندگی، حتی شب بازدهم محرم نماز نافله را وانتهاد: «مَاتَرَكْتُ تَهَجُّدَهَا لِلَّهِ طَوْلَ ذَهْرٍهَا حَتَّى بَلَّغَةَ الْخَادِي عَشْرَ مِنَ الْمُحَرَّمِ» ریاحین الشریعة / ج ۳ / ص ۶۱ و نیز فرمود: عمه‌ام در راه کوفه و شام نیز با همه‌ی گرفتاری، نیایش با خدا را وانتهاد و همراهی ابستاده به نماز و تلاوت قرآن می‌پرداخت؛ اما شبی دیدم نشستہ نماز می‌خواند. راز آن را پرسیدم، که فرمود: فشار گرسنگی و ناتوانی اجازه‌ی ایستادن نمی‌دهد! «أُصَلِّي مِنْ جُلُوسٍ لِشِدَّةِ الْجُوعِ وَالضَّعْفِ...» و خود دریافتم که سه روز است غذا نخورده و جیره‌ی خود را به کودکان داده است، چرا که در دوران اسارت و زندان، در شبانه‌روز به هر یک از ما، تنها یک فرص نان می‌دادند! زینب الکبری / ص ۶۳.

و فاطمه، همسر و مشاور او گواهی داد که: شب عاشورا که شرایط چنان بحرانی بود که نه چشمی از ما به خواب رفت و نه صدای ناله‌ی ما آرامش یافت، عمه‌ام زینب با حضور قلب، به نیایش ایستاده و به پروردگارش پناه می‌جست و از او یاری می‌خواست: «وَأَمَّا عَمَّتِي زَيْنَبُ فَإِنَّهَا لَمْ تَزَلْ فَائِمَةً فِي تِلْكَ اللَّيْلَةِ، أُنَى عَاشِرَةَ مِنَ الْمُحَرَّمِ فِي مِخْرَابِهَا تَسْتَنْبِئُ إِلَى رَبِّهَا وَ مَا هَذَا لَنَا عَيْنٌ وَلَا سَكَنٌ لَنَا زُفْرَةٌ» ریاحین الشریعة / ج ۳ / ص ۶۲.

زبان‌شان را در کام دارد، و به بیان اندیشمندان، برتریهای ظاهری و باطنی و فروغ و زیبایی زینب، بسان مام فرزانه‌اش فاطمه علیها السلام بود.^۱

و در سخت‌ترین بحرانهای روزگار، نه تنها در نقش مشاور و همراه توانمند دغدغه‌های امام حسین می‌درخشد، و پس از شهادت او نیز در برابر سخت‌ترین توفانها، خود را نمی‌بازد که با شهامت و درایتی شگرف، پرچم مبارزه‌ی با استبداد مذهبی را از خاک گلگون نینوا برمی‌دارد و مرحله‌ی دوم آن نهضت عدالتخواهانه را با انگیزش مشارکت تک تک اسیران آزادیبخش تداوم می‌بخشد و به همراه امام سجّاد، شکوهمندانه مدیریت می‌کند، و با روشنگری اندیشمندان در قالب خطبه‌ها و مناظره‌ها و شناساندن خود و پیشوای شهیدان و شرح شجاعانه‌ی جنایت‌های دهشتناک استبداد و رساندن پیام نهضت اصلاح طلبانه‌ی امام حسین به آیندگان، ورق روزگار را به سود آزادیخواهان و توحیدگرایان راستین تاریخ برمی‌گرداند؟^۲

و پس از آن هم، همواره پیام‌آور آزادی و معنویت می‌ماند تا در تبعیدگاه خود به دیدار خدا برمی‌کشد، اما نامش جاودانه می‌گردد.

۱. «قَبَّانَ فَضَائِلَهَا وَ فَوَاضِلَهَا وَ خِصَالَهَا وَ جَلَالَهَا وَ عِلْمَهَا وَ عَمَلَهَا وَ عِصْمَتَهَا وَ عِفَّتَهَا وَ نُورَهَا وَ ضِيَاءَهَا وَ شَرَفَهَا وَ بَهَائَهَا تَالِيَةً أَمَّتْهَا عليها السلام ...»

۲. باید این تاریخ را تجزیه و تحلیل نمود، درست خواند و اندیشید که راز و رمز آن فرصت‌سازی و فرمول آن آفرینش پیروزی جاودانه از دل شکست و اسارت چه بود؟ و درس‌ها گرفت و مدیریت‌ها آموخت، نه اینکه تنها بانگاه احساسی، قرن‌ها بر زینب علیها السلام گریست، اما در اسارت فساد و استبداد و انحصار و فقر مادی و فرهنگی جان داد و جانها را گرفت، و باز هم لاف دوستی آنان را زد و بهبوده خود و ساده‌دلان را فریفت.

بارخدا یا، به مهر خود، همه‌ی ما را در این سرا و سرای دیگر، یار و
یاور باش، و پاداشی از این ترجمه را به روح مرحوم آیت الله قزوینی
مؤلف «زینب الكبرى من المهد الى اللحد» واصل فرما.

علی کرمی فریدنی / تابستان ۸۴